

# پرواز با دو بال تلاوت و کتابت

پای صحبت استاد حسین آیات، کاتب قرآن نستعلیق

## اشاره

کتابت قرآن به خط نستعلیق را تلاقی حکمت و زیبایی گفته‌اند. از منظری دیگر، کتابت نامهٔ محبوب الهی به خط نستعلیق، محل به هم رسیدن زیباترین خط به زیباترین کلام است. طی هفتاد سال گذشته، فقط شش قرآن به خط نستعلیق به مرحلهٔ چاپ رسیده‌اند که بسیار رقم اندکی است. جدیدترین این قرآن‌ها «مصحف عروس» نام دارد که به خط استاد حسین آیات نگاشته و به زیور طبع آراسته شده است. چاپ این قرآن یکی از اتفاقات مهم در عرصهٔ هنر دینی است و می‌توان آن را در قرآن‌نگاری نستعلیق نقطهٔ عطفی به‌شمار آورد. از آنجا که بیان چند و چون این تجربه‌های شگرف می‌تواند به‌عنوان الگویی ارزشمند الهام‌بخش و انگیزه‌آفرین باشد، بر آن شدیم در ضمن گفت‌و‌گو با استاد آیات، گوشه‌ای از این تلاش عاشقانه را رازگشایی کنیم. استاد آیات علاوه بر سه دهه تلاش تخصصی در خوش‌نویسی، به‌همین میزان دارای سابقه و توانایی تلاوت قرآن در سطح بالا و بسیار فنی هستند. امیدواریم خوانندگان گرامی از بیان این تجربهٔ معنوی ارزشمند بهرهٔ لازم را ببرند.

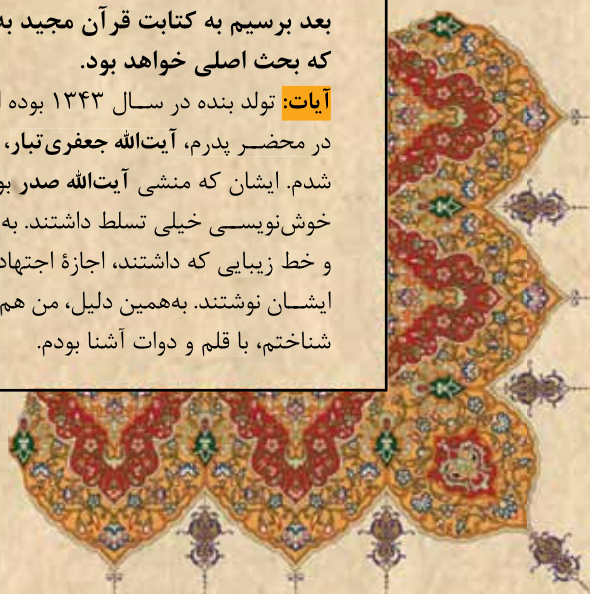
رشد آموزش هنر

از سال چهارم ابتدایی در کلاس خط سطر نویسی که معلم بسیار متحیر شد و زیر خط من خطاب به پدر بزرگوارم نوشتند: ایشان را تحت نظر داشته باشید. البته نمی‌دانستند که بنده تحت نظر هستم. بعدها از روی خطوطی که به دستم می‌رسید، می‌نوشتیم. آن زمان تنوع خطها خیلی کم بود. تا سوم ابتدایی تهران بودم. بعد به واسطهٔ شغل پدر به قم رفتیم.

در آن زمان خطوط چاپی بسیار محدود بودند، مثلاً مجلهٔ «هنر و مردم» خطوط میرعلی هروی و میرعماد را چاپ می‌کرد یا در کتابی به‌نام «کارنامهٔ بزرگان ایران» خط خوش‌نویسان زیر نظر دکتر مهدی بیانی درج شده بود. علاوه بر این‌ها، یک مجموعه خطوطی هم پدرم داشتند. تا بالاخره به انجمن خوش‌نویسان قم آمدم. کلاس خطی در قم دایر شد و من در آن شرکت کردم.

**تیموری:** خواهش می‌کنم با در نظر گرفتن اینکه مخاطبان مجلهٔ ما همکاران رشتهٔ هنر در فضای تعلیم و تربیت هستند، مقدمه‌ای در مورد سیر و سلوک هنری و دلبستگی خودتان به خط و دورهٔ شاگردی‌تان در محضر استادان ارائه بفرمایید تا بعد برسیم به کتابت قرآن مجید به خط نستعلیق که بحث اصلی خواهد بود.

**آیات:** تولد بنده در سال ۱۳۴۳ بوده است و از کودکی در محضر پدرم، آیت‌الله جعفری‌تبار، به خط علاقه‌مند شدم. ایشان که منشی آیت‌الله صدر بودند، روی خط و خوش‌نویسی خیلی تسلط داشتند. به واسطهٔ نثر خوب و خط زیبایی که داشتند، اجازهٔ اجتهاد خیلی از علما را ایشان نوشتند. به‌همین دلیل، من هم از وقتی خودم را شناختم، با قلم و دوات آشنا بودم.





کرده‌اند؛ مثل میرزا عباس نوری. حتی شاگردان خود میرعماد، مانند رشید، به چلیپانویسانی که غیر از چلیپای میرعماد نوشته‌اند، نمرهٔ مثلاً ۱۱ از ۱۸ داده‌اند. در کتابت به استاد حسن میرخانی تمایل دارم. شیوهٔ استاد امیرخانی هم تلفیقی است. مثلاً دوردرد خط استاد امیرخانی دقیقاً همان دوردرد خط استاد حسن میرخانی است. در واقع شیوه‌ای که الان کار می‌کنم تلفیقی و با گرایش بیشتر به استاد امیرخانی است.

■ اگر امکان دارد مروری بر آثار تان داشته باشید.

کار رسمی کتابت را از سال ۱۳۶۹ آغاز کردم با «اقبال‌نامه» نظامی گنجوی. در سال ۱۳۷۰ «بهرام‌نامه» را هم که در مجموعهٔ «پنج گنج» بود، نوشتم. در سال ۱۳۷۱ کتابت دفترهای سوم و چهارم «مثنوی» را تحریر کردم. «دیوان حافظ» را هم سه‌بار نوشتم.

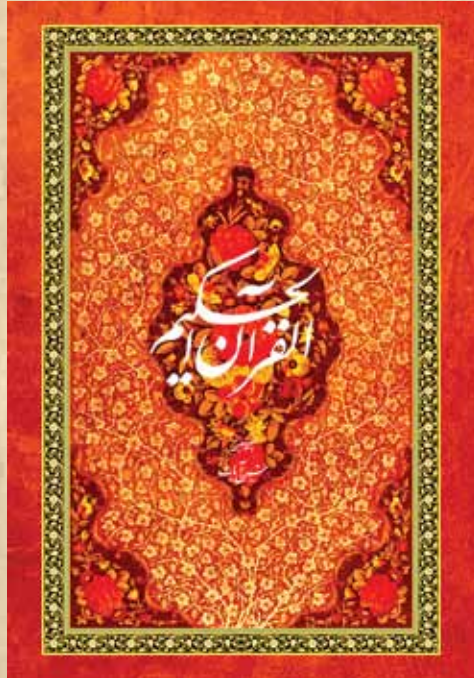
بار اولی که دیوان حافظ را نوشتم، خودم آن را تصحیح و تدوین کردم. مقدمهٔ آن را هم به دکتر الهی قمش‌های نشان دادم. حافظ دوم را سال ۱۳۷۵ نوشتم که «انتشارات علمی» چاپ کرد. این کتاب ۱۲ سطری بود و غزل‌هایش در امتداد هم می‌آمدند ولی در حافظ سوم

دورهٔ متوسطه خط را، به‌همین ترتیب کار کردم و امتحان دادم. در دورهٔ عالی از روی «رباعیات خیام» استاد خروش نوشتم. دورهٔ ممتازم را در حدود سال‌های ۶۱-۶۲ گذراندم. در آن سال‌ها کتاب «نگارستان خط» استاد حسن میرخانی به‌تازگی چاپ شده بود که من بنا را بر مشق از آن گذاشتم. در سال ۱۳۶۴ در امتحان مدرسی شرکت کردم و نفر اول شدم.

از همان سال تدریس را آغاز کردم. وقتی هم که کلاس تمام می‌شد، در طبقهٔ بالا نزد استاد امیرخانی می‌رفتم. چند جلسه‌ای را در خدمت ایشان بودم. از استاد امیرخانی نکات خیلی مهمی آموختم که خط مرا بسیار متحول کرد.

■ در حال حاضر اگر بخواهید خط خود را توصیف کنید، چه ویژگی‌هایی را بیان می‌کنید؟

من در ترکیب‌بندی چلیپا، ترکیب‌های میرعماد را مدنظر دارم؛ البته فقط از نوع نگاه، اعتقاد دارم که ما بعد از میرعماد چلیپا نداریم. کسانی که چلیپای موفق نوشته‌اند، کسانی هستند که چلیپای میرعماد را نقل



هر غزل در یک صفحه بود.

در سال ۱۳۷۸ منتخب غزلیات سعدی را نوشتم که «انتشارات گویا» چاپ کرد. اثر دیگر فرمان حضرت امیر(ع) به مالک اشتر ترجمه مرحوم جواد فاضل بود و توسط «نشر گویا» چاپ شد. در سال ۱۳۸۰ کتابت قرآن را شروع کردم. یعنی بعد از آن همه کتابت، دیدم وقت آن است که قرآن نستعلیق را بنویسیم؛ چون قرآن نستعلیق حکایت دیگری است. به نظرم کسی که کار کتابت را در انواع مختلف انجام داده است، اگر بخواهد خودش را بسنجد، کافی است چند صفحه‌ای انگشت‌شمار از قرآن بنویسد.

کتابت قرآن را براساس قرآن عثمان طه انجام دادم که حدود ۶۱۰ صفحه شد. البته در جاهایی با قرآن عثمانه طه فرق دارد. تقریباً ظرف دو سال و با قلم ۱/۵ میلی متری (جادو) آن را نوشتم. اواخر نگارش قرآن اول بودم که به این نتیجه رسیدم که شاید بشود صفحات را طوری دیگری نگاشت.

در قرآن عثمان طه صفحه‌ای داریم که ۱۱۰ کلمه دارد.

صفحاتی هم هستند که بیش از ۱۸۰ کلمه دارند. این امر به اصطلاح خلوت و جلوت فوق‌العاده‌ای را در قرآن نستعلیق به وجود می‌آورد و دلیلش هم فنی است. نوشتن را به نحو دیگری شروع کردم. البته این شیوه جدید در ابتدا باعث شد که ۱۶-۱۵ صفحه طرح بزنم تا ببینم که آیها جواب می‌دهند یا نه. قرآن عثمان طه در ۱۲ سطر به ۵۵۰ صفحه تبدیل شد.

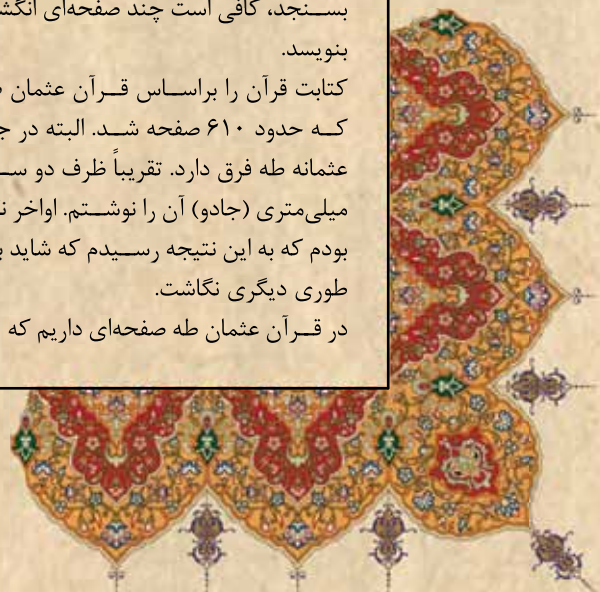
■ یعنی شما می‌خواستید با جابه‌جایی آیها، بین تعداد کلمات در صفحات نوعی توازن بصری ایجاد کنید.

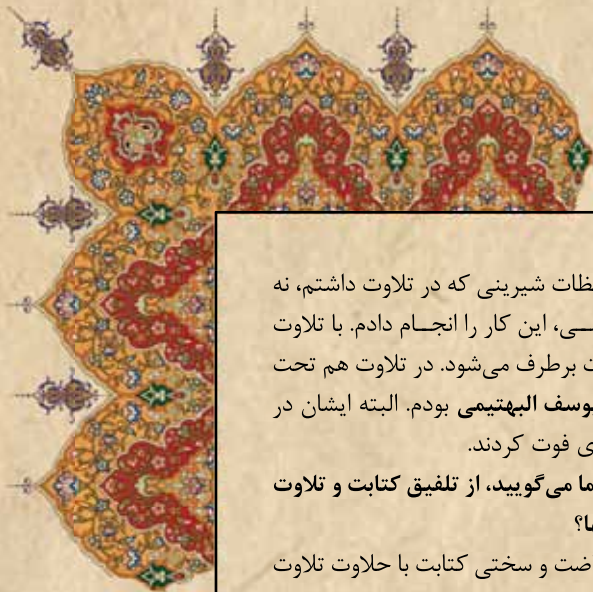
بله، به‌طور متوسط روزی یک صفحه می‌نوشتیم و تقریباً دو سال طول کشید. اتودی که می‌زدم با قلم بود و خیلی سریع. در سال ۱۳۸۴ تمام شد. وقتی قرآن دوم تمام شد، از خودم پرسیدم: غرض از نوشتن قرآن به خط نستعلیق چیست؟ و این جواب را دادم: کتابت نستعلیق از لحاظ سهل خواندن در درجه دو است و ما می‌خواهیم از جمال و زیبایی خط نستعلیق هم استفاده کنیم. یعنی «اجمل الخطوط» در خدمت «اجمل الکلام» قرار بگیرد.

اگر بخواهیم صفحات قرآن را به آیه بندیم و آن قید را برای خودمان بگذاریم و مقید به این کار شویم، این کار حتماً مخل زیبایی می‌شود. چون آیات قرآن به یک میزان نیستند. آیات متفاوت‌اند و به هر حال این مشکل پیش می‌آید که یک صفحه خلوت و صفحه دیگر پر می‌شود و این نقض غرض خواهد شد. اینجا بود که گفتم این قید را برمی‌دارم. چون من قاری قرآن هستم، بر این امر اشراف داشتم که اعراب چه‌طور باید خوانده شود. کتابت این سه مجموعه قرآن حدود هفت سال طول کشید؛ از سال ۱۳۸۰ تا سال ۱۳۸۷.

بالاخره در قرآن سوم یک سطر اضافه کردم و آن قرآن تقریباً ۴۵۵ صفحه شد.

من سه قلم هم اندازه داشتم. ما در قرآن کلماتی داریم که مشابه آن‌ها را مطلقاً در متون فارسی نداریم. در خود قرآن در هر صفحه به‌طور متوسط کلمه‌ای هست که در قرآن هم منحصر به فرد است و برای اولین بار به آن می‌رسید.





من به واسطه لحظات شیرینی که در تلاوت داشتم، نه به دلیل خوش نویسی، این کار را انجام دادم. با تلاوت قرآن سختی کتابت برطرف می‌شود. در تلاوت هم تحت تأثیر شیخ کامل یوسف البهتیمی بودم. البته ایشان در سال ۱۹۶۹ میلادی فوت کردند.

■ آن لذتی که شما می‌گویید، از تلفیق کتابت و تلاوت است یا تلاوت تنها؟

عرض کردم که ریاضت و سختی کتابت با حلاوت تلاوت برطرف می‌شود.

■ اگر امکان دارد، کتابت خودتان و استاد حسین میرخانی(ره) را از لحاظ فنی مقایسه بفرمایید.

به لحاظ شیوه نزدیک هستند. من قرآن دوم ایشان را خیلی وقت پیش دیدم و آنچه به یاد دارم این است که قرآن اول به مراتب بهتر بود. در کتابت قرآن ایشان زیاد تلاش نکرده‌اند که صفحات زیاد یا کم شوند. کتابت ایشان ۱۵ سطری است. متحیرم که چرا در کتابت ایشان از کشیده‌ها استفاده نشده است. به لحاظ اجرا بسیار زیبا و ارزشمند است. ایشان از همان قلم متن برای اعراب‌گذاری استفاده کرده‌اند. مثلاً فتحه و کسره از الف و ر بزرگ‌ترند.

■ بله. در قرآن اول استاد حسین میرخانی، خواننده سنگینی اعراب را کاملاً حس می‌کنند. ویژگی خاص دیگری که در مورد قرآن سوم شما می‌توانیم مطرح کنیم، چیست؟

ویژگی خاص دیگر آن، علاوه بر آسانی در خواندن، این است که سعی کرده‌ام زیبایی داشته باشد.

■ شما چه توصیه‌ای برای علاقه‌مندان به کتابت قرآن دارید؟ مثل اینکه از شروط قرآن نویسی و ارستگی است.

توصیه خیلی سخت است و اهلیتی می‌خواهد. علاوه بر توفیق برای تحقق این کار، ما از خیلی از چیزهای زندگی زده‌ایم. در مسائل دنیایی، پیشرفت‌های زیادی برای من وجود داشته است، ولی از همه آن‌ها گذشته‌ام. توصیه من این است که هنرمند باید از زندگی دنیوی بگذرد تا بتواند به کتابت قرآن دست یابد.

■ با آرزوی موفقیت روزافزون برای شما

■ وقتی به این کلمات می‌رسید، برای نگارش چندبار اتود می‌زنید تا به آن شکل اصلی برسید؟

من این کار را نمی‌کردم و فقط تصور می‌کردم. در کتابت قرآن، اعراب‌گذاری خودش دنیایی است. در کتابت فارسی زیاد مقید نیستیم ولی در کتابت قرآن حتماً باید اعراب سر جای خود قرار گیرد؛ یعنی حتماً باید به کار اشراف داشته باشید.

■ می‌خواهم بدانم که رابطه قرائت قرآن و کتابت قرآن چیست؟ شما در حد بین‌المللی تجربه قرائت قرآن دارید. این چقدر به شما کمک کرد؟

به من کمک می‌کرد که موقع نقطه‌گذاری و اعراب، به کارم سرعت بدهم. چون به دلیل آشنایی، اگر آیات عربی اعراب و نقطه نداشته باشند، می‌توانم آن‌ها را بخوانم. این خودش خیلی مهم است. وقتی آدم کلمه را می‌شناسد، حس دیگری دارد. یعنی حتی می‌داند که گره‌ها کجاست. مثلاً می‌داند کسی که می‌خواهد قرآن را بعد از این کتابت بخواند، ممکن است کجاها دچار اشکال شود.

■ وقتی به خط شما در مصحف عروس نگاه می‌کنم، به نظرم خوش‌خوان‌تر از قرآن‌های نستعلیق دیگر است؛ چرا؟

بقیه دوستان هم همین نظر را دارند. تلاوت قرآن من همراه است با خوش‌نویسی از همان حدود ۱۰ سالگی.

■ استاد، به نظر من کتابت قرآن کریم سعادت است. اگر امکان دارد از اثرات معنوی این کار هم برایمان بگویید. تأثیر تلاوت قرآن را در کتابت قرآن، برای آن دسته از عزیزانی که می‌خواهند توفیق این کار را داشته باشند، توصیف کنید.

به نظر من پیش‌زمینه کتابت قرآن کتابت‌های فراوان است. باید در زمینه‌های متنوع کتابت کرده باشند و بعد وارد کتابت قرآن شوند. شاید برای من توفیقی باشد که در هر دو زمینه تلاوت و کتابت قرآن فعالیت کرده‌ام. حرفه‌ای بودن در هر دو زمینه بسیار مهم است. کسی که قرآن را تلاوت می‌کند با کسی که این کار را به‌طور حرفه‌ای انجام می‌دهد متفاوت است.